



قرآن؛ کتاب زندگی / قرآن، نور و رحمت و هدایت به سوی خیر و سعادت است

ما مسلمانان بر آن عقیده‌ایم که قرآن، نور و رحمت و هدایت به سوی خیر و سعادت است و کافی تر و جامع تر از آن دستوری برای بشر نیامده و نخواهد آمد.

ما مسلمانان بر آن عقیده ایم که قرآن، نور و رحمت و هدایت به سوی خیر و سعادت است و کافی تر و جامع تر از آن دستوری برای بشر نیامده و نخواهد آمد.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر برشی از کتاب «عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق یا ماه مبارک رمضان» اثر آیت الله صافی گلپایگانی است که در ادامه می خوانید؛

تمسک به قرآن

ما مسلمانان بر آن عقیده ایم که قرآن، نور و رحمت و هدایت به سوی خیر و سعادت است و کافی تر و جامع تر از آن دستوری برای بشر نیامده و نخواهد آمد و جامعه انسانی با وجود احکام قرآن و مکتب اسلام به هیچ نظام و قانون دیگری احتیاج ندارد.

شک نداریم که اگر تعالیم قرآن به اجرا درآید، نقاط ضعف و نابسامانی هایی که زندگی جوامع بشری را فرا گرفته، مرتفع خواهد شد و برادری و عدل و داد، جهان را فرا خواهد گرفت.

بنابراین، وظیفه ما است که به حکم حدیث شریف و متواتر:

اَيُّ تَارِكٍ فَيَكْمُ التَّقْلِيْنِ كِتَابَ اللّٰهِ وَعَيْتَرِي مَا اِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهَا لَنْ تَضِلُّوا اَبَدًا

به قرآن و عترت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم متمسک شویم و رسالت قرآن را به جهانیان برسانیم؛ مبدأ و مقصد انجام حرکات و نهضت ها، اقدامات و انقلاب های اصلاحی را، تعالیم قرآن قرار دهیم؛ و همواره آن را نقطه شروع و نقطه پایان، مصدر هدایت و منبع جهش بدانیم. در تمام شوون و نواحی زندگی فقط به قرآن و عترت رجوع نمائیم و آن را یگانه میزان و قانون محترم و واجب الإلتباع دین و دنیا دانسته، در هیچ اقدام و هیچ حال از آن غافل نگردیم.

بدیهی است که مسلمان نمی تواند قرآن را از زندگی، اجتماع و دین و دنیای خود دور کرده و به جدایی دین از دنیا و روحانیت از سیاست، قائل شود.

مسئولیتی که متوجه ما مسلمانان، می باشد، این است که به جدایی دین از دنیا تسلیم نگردیم؛ اگرچه بسیاری، نادانسته و جاهلانه این جدایی را پذیرفته اند.

هر فرد مسلمان باید به این پرسش ها پاسخ گوید:

آیا ما قرآن را مصدر واقعی اقدامات و منبع الهامات می دانیم؟ و برای اخطارات و ابلاغات اعتبار قایلیم؟ آیا در ایمان به قرآن و راهنمایی های آن جدی و پابرجا و استوار هستیم؟

آیا برنامه زندگی ما از قرآن گرفته شده است؟ و به قدر یک رژیم درمانی و بهداشتی و یک نسخه پزشک، از کتاب خدا پیروی می کنیم؟ و آیا می توانیم به این پرسش ها پاسخ مثبت بدهیم؟

تا وقتی که زندگی، اجتماع، اعمال و رفتار، دروس و برنامه حیاتی به گونه ای باشد که در برابر این سوالات، جواب مثبت نداشته باشیم، از حریم امن و کرامت و عزت قرآن مجید دور هستیم.

قرآن و اجتماع اسلامی

تشخیص و تمیز اجتماع اسلامی از جوامع دیگر به این است که مصدر افکار و افعال و سلوک اجتماعی، تربیتی، تجاری، سیاسی و مبدأ تحرک و محور تمام فعالیت های علمی و صنعتی و اصلاحی، «قرآن» و «سنت» باشد. از این رو، اگر مسلمانان بتوانند در آغاز و مطلع قرن پانزدهم چنین انقلابی در جهان اسلام و در جوامع خود به وجود آورند، آینده آنان سعادت بخش و مقرون به رستگاری و آزادی خواهد بود و برای ابلاغ رسالت اسلام به جهانیان و نجات بشر از این همه سرگردانی و گمراهی، لیاقت و شایستگی خواهند یافت.

با کمال تأسف، جهل به احکام و تعالیم و ارشادات قرآن و عدم دست یابی بسیاری از مسلمانان به اهداف واقعی و مقاصد این دین حنیف، سبب شده که افرادی به اصطلاح روشن فکر اما گمراه و کم اطلاع این حقیقت که قرآن باید مبدأ تحرک و مصدر اقدامات و سازنده اجتماع باشد را انکار و یا در آن تردید نمایند.

اگر این گونه افراد، در نظرانی که اظهار می دارند، مقصدشان تقلید کور کورانه از بیگانگان و تأیید دشمنان اسلام و مزدوری برای آن ها نباشد و در عقیده خود اصرار و لجاحت ندارند، باید با ادله و براهین و تذکر آیات محکم قرآن در مسائل مهم سیاسی، اجتماعی و انتظامی آنان را قانع سازیم که انسان در هر دور از ادوار حیات و در هر عصری از اعصار و در شؤون مختلف از قبیل: حیات دنیا و آخرت، روح و جسم، ظاهر و باطن، انفرادی و اجتماعی، محتاج به هدایت خدا و استمداد از رهبران آسمانی و پیروی از برنامه های جامع الهی است. و چنان چه تحقیق و مطالعه در ادیان و کتب آسمانی و مکتب های اجتماعی نشان می دهد: غیر از قرآن، دستورالعمل دیگری- که جاودان و کافی و شامل تمام نواحی زندگی باشد- وجود ندارد.

افراد دیگری فکر جدایی دین و دنیا را پیش کشیده و می خواهند دایره هدایت قرآن را تنگ کرده و دین را منحصر به عبادات، اخلاقیات و عقاید سازند و در حقیقت، قرآن را صرفاً یک کتاب اخلاق یا یک کتاب دعا تلقی کرده و آن را در مجالس ترحیم و بر سر قبور اموات بخوانند و هنگام سفر، به همراه آن مسافر را بدرقه کنند و یا در سند ازدواج و جهیزیه، از روی تبرک، وجود یک جلد قرآن را ذکر کنند و یا آن را به بازوی خود ببندند و شاید عده قلیلی هم باشند؛ که گاه گاهی به فیض تلاوت آن نائل شوند.

اما آیا انتفاع و استفاده از قرآن، فقط همین است و معنای «وَمَنْ جَعَلَهُ أَمَامَهُ قَادَهُ إِلَى الْجَنَّةِ» این می باشد؟

بدیهی است افرادی که قرآن را از دنیا و از اجتماع، از معاشرت و مجالست، از اداره مملکت و منزل و امور دیگر جدا ساخته و اسلام را در فکر و عمل تجزیه کرده اند، گمراه هستند؛ زیرا بر حسب محکومات آیات قرآن و اجماع مسلمین و سیره رسول اعظم و ائمه علیهم السلام و احادیث و اخبار و فقه اسلام، دین از دنیا جدا نیست و تعالیم قرآن محدود به امور عبادی، اعتقادی و اخلاقی نمی باشد.

درباره نظم بخشیدن به امور دنیایی از قبیل: امور مالی و اقتصادی، قضایی، حکومتی، اجتماعی و سیاسی در قرآن آیات صریح بسیاری موجود است و هر کس به دقت قرآن را مطالعه کند، می یابد که رسالت قرآن، هدایت بشر در جمیع نواحی زندگی است. جدایی دین از دنیا- که بعضی به تقلید بیگانگان، آن را مطرح می کنند- به هیچ وجه با تعالیم اسلام سازگار نیست و معنای آن، نقض دین و شریعت (العیاذ بالله) و وافی نبودن آن به رفع حوائج و نیازمندی های اجتماعی و سیاسی است.

برخی دیگر نیز هدایت قرآن را تمام و جامع و شامل می دانند؛ ولی در مقام عمل به تعالیم دیگر گرایش پیدا می کنند و مکتب های غیر اسلامی، و افکار و آراء و دستور زندگی خود را از جاهای دیگری اقتباس می نمایند و سپس سعی دارند با تأویل و توجیه نصوص، کتاب و سنت را با آن افکار و تعالیم، موافق معرفی نمایند. چنان چه برخی در استفاده از آیات قرآن، اخبار و احادیث را ترک کرده و روایات را کنار می گذارند و بدین گونه بین قرآن و عترت جدایی می اندازند و به اجماع فقها و فهم و استظهارات بزرگان، اعتنا نمی کنند، که بی شک هدف آنان از این روش، پیدا کردن معاذیر و دستاویزهایی برای پیروی از نظریات مأخوذ از دیگران و تقلید از اجانب و مکتب های غرب یا شرق است.

این دو دسته نیز در روشنی تعالیم اسلام گام برنمی دارند، و روشی که دارند، آنان را از قرآن دور، و جمال زیبای اسلام را مستور، و هرج و مرج فکری و اعتقادی و پراکندگی ایجاد می کنند.

این دو دسته را باید به کیفیت صحیح و طریق مستقیم استفاده و استنباط از کتاب و سنت، راهنمایی کرد؛ و از توجیه و تأویل و هم چنین تقلید از افکار بیگانگان و مکتب های ماڈی و ضعف شخصیت، برحذر داشته و آنان را به استقلال فکر و تعقل و تأمل و پیروی از علم تشویق نمود.

دسته پنجم، کسانی هستند که به طور جدی و قاطع، قرآن را منبع هدایت و یگانه کتاب راهنمای دنیا و آخرت می دانند؛ و از هیچ مکتب و مصدر دیگری حاضر به اقتباس برنامه زندگی نیستند و متون و نصوص کتاب و سنت را محترم شمرده و به حلال و حرام و واجب و مستحب و مکروه آن ایمان آورده و قرآن را راهنمایی برای همه می دانند.

این افراد را می توان اهل قرآن و امت قرآن خواند؛ و این ها هستند که می توانند جمله «وَالْقُرْآنُ کِتَابِی» را بگویند.

این جمعیت، جمعیت وفادار به قرآن و خواهان اجرای کامل احکام قرآن هستند؛ هر چند وفاداری و فداکاری آنان یکسان نیست و امتحانات و حوادث، معلوم می سازد که تا چه حد و تا کجا و به چه مقدار برای قرآنی شدن اجتماع، فداکاری و اقدام می کنند.

آیا به همان عقیده قلبی و بحث علمی در این موضوع، قناعت کرده یا حاضرند قدم به جلو گذارند و واقعاً هدایت اسلام را بر مسایل زندگی از اخلاق و معاملات، تربیت، اقتصاد و ...؛ تطبیق نمایند و به خطرات و انذارات و بشارت ها و تعالیم قرآن توجه کنند؟

وظیفه ای که این دسته در مقابل دین و قرآن دارند این است که: قرآن را مایه نشاط فکری و برنامه عمل و حرکت قرار داده و تصمیم بگیرند که در هیچ جا و هیچ مورد از آن منحرف نشوند و تنها به این که قرآن، زینت اوراق مصاحف و محور بحث ها و مطالعات علمی و فقهی و تحقیقی است و از خواندن و نوشتن و شنیدن آن، زبان ها و دست ها و چشم ها و گوش ها مستفیض می شود، اکتفا نکرده و اجرای احکام قرآن را- که کتاب عمل و کتاب دین و دنیا و برنامه حیات است- هدف خود قرار داده و به آن اهمیت بدهند؛ دین و احکام آن را به عقاید و عبارات و جنبه های فردی و روحی محدود نسازند و در هر رشته ای احکام قرآن را مطاع و مرجع دانسته؛ و دنیا و آخرت خود را با احکام آن اداره کنند.

تا وقتی که این وضع در جوامع مسلمانان به وجود نیاید و افراد غیور و با همت برای تحقق این مقصد، کمر همت نبندند و صادقانه و مخلصانه، تلاش و جهاد نمایند، از بحث علمی و اعتقادی بی عمل، رهبری و هدایت قرآن بر کرسی تسلط مطلق بر تمام شؤون بشر، مستقر نمی شود. از این رو باید کاری کرد که آفتاب اسلام در عرصه های گوناگون زندگی مسلمانان پرتو افکن شده و جلوه نفوذ و رسوخ اشعه آن در نواحی متعدد حیات آنان آشکار گردد.

یقیناً اگر بحث علمی و اعتقادی مقدمه عمل نباشد، سبب ادای رسالت اسلام و تمکین آن نخواهد شد. رهبران و زعما باید به طور جدی و صادقانه، اقدامات چشم گیر و مؤثری بنمایند که اسلام و احکام اسلام در میان متون و کتب حدیث و فقه و در حجره های مدارس طلاب علوم دینی و کتابخانه ها مستور و پنهان نماند؛ و در میادین دیگر به ویژه میدان عمل و سازندگی در هر زمان و مکانی آن احکام و دستورات عالی اجرا شود.

مادام که دنیا قرآن را در اجتماع مسلمانان، مرجع امور و مصدر نهضت و تحرک نبیند، از حقیقت اسلام و قدرت آن در سازندگی مترقی ترین اجتماعات چیزی نمی فهمد. و تا زمانی که قرآن را سازنده اجتماع و مدنیت ما نبیند، هر چه در تبلیغ اسلام و مطالبی که در اجتماع چند صد میلیونی مسلمانان از آن اثری نیست تلاش کنیم، ثمرات و آثار مهمی نخواهد داشت.

دنیا به ما می گوید: اگر چنان چه شما مدعی هستید که از امت حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله وسلم می باشید؛ اسلام را دین خدا و قرآن را کتاب خدا و قانون حکومت و اجتماع و تجارت و حیات و موت می دانید و به آن ایمان دارید و نقص و ناتمامی در آن فرض نمی کنید، پس چرا ریزه خوار خوان دیگران شده و پای رکاب دیگران می دوید و کورکورانه نظریات و آرا و مبانی و راه دیگران را گرفته و ترویج می کنید؟

چرا در اجتماعات شما از اسلام جز در داخل مساجد، در مراسم عبادت، در گورستان، در مجالس دینی، مدارس طلاب و کتب دینی کم تر می توان خبر گرفت و برنامه های اجتماعی وسیع و مترقی اسلام، متروک و احکام آن تا حدودی تعطیل شده و مظاهر اجتماعات غیر اسلامی، از جمله در: خیابان ها، مؤسسات، سازمان ها و حتی تربیت و تجارت و تبلیغات، شما را فرا گرفته است؟!

وظیفه مسلمان ها است که با ساختن و روی کار آوردن اجتماع اسلامی به این پرسش پاسخ دهند.

در عصر حاضر، بهترین و بزرگ ترین خدمتی که هر مسلمان باید به اسلام و قرآن بنماید، این است که: با محدود کردن

قرآن در دایره عبادات و چهاردیواری مساجد و خانه های علما و جدا کردن آن از اجتماع و امور دنیا- که یک فکر خطرناک غربی و بیگانه از اسلام است- مبارزه کند و مفاهیم و مقاصد وسیع اسلامی را ترویج و تبلیغ نماید؛ تا هر جا، هر مقام و هر مجمع، سازمان و مؤسسه ای، مظهر تعالیم اسلام گردیده و جامعه اسلامی با سرعت هر چه بیشتر ترقی نماید.

قال الله تعالی:

ان تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ